



جمع بندی بداییم های (قواعد) عبرت، مقسم و هشتم

آموزش خلاق (ارباب)

پایه هشتم

سایت آموزش: www.eduqaen.ir

کانال آموزشی ما    @eduqaen



ساختار یک کلمه :

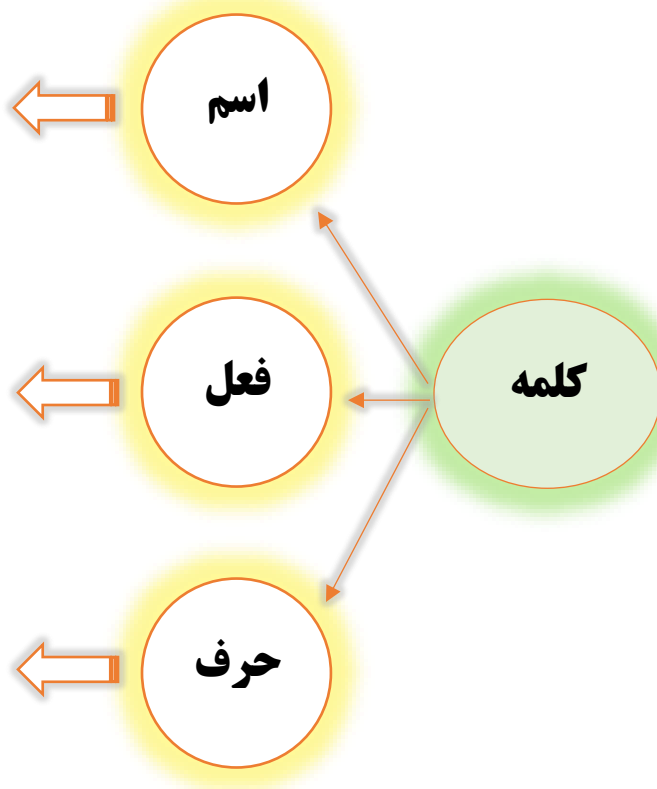
یک کتاب به مانند قرآن کریم که از آیات و سوره ها و به زبان عربی نوشته شده است رادر نظر بگیرید. تمامی این کتاب از کلمات تشکیل شده و هر یک از این کلمات یا اسم هستند یا فعل و یا حرف و غیر این چیزی نیست.

در درس اول با مفهوم اسم و انواع آن آشنا می شوید . از درس چهارم به بعد با فعل ماضی آشنا می شوید و با حرف در دوره متوسطه دوم آشنا خواهید شد .

اسم کلمه ای است که برای نامیدن کسی یا چیزی بکار می رود
مانند : علی ، کلاس ، پنجره (علی ، صَف ، نَافِذَة)

فعل کلمه ای است که بر انجام دادن کاری یا اتفاق افتادن چیزی یا داشتن حالتی در گذشته، حال و آینده دلالت می کند.
مانند : رفتم ، رفتی و ...

به کلماتی که خود به تنهایی معنای مستقلی ندارند. اما این کلمات با اینکه خود معنای مستقلی ندارند، حضورشان در جمله لازم است.
مانند : به ، که ، در ، از و ...



یک اسم در زبان عربی یا مفرد است (یک چیز یا یک شخص) یا مثنی است (دو تایی) و یا جمع (بیشتر از دو تا) است .

ابتدا اسم مفرد را بررسی می کنیم



(یک شیء یا شخص) یا علامت « ة » دارد یا شخص مونث است.
(سایر علامت های مونث را در دوره های بعدی تحصیلی خواهید خواند)

مانند : لَوْحَةٌ ، شَجَرَةٌ ، طَالِبَةٌ ، مَرِيْمٌ ، بِنْتٌ

برای اشاره از نزدیک به اسم مونث از **هَذِهِ** استفاده می شود.

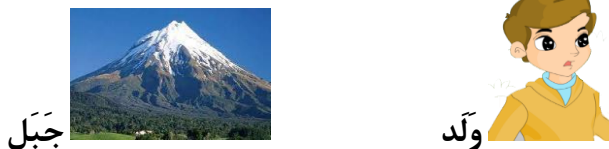
برای اشاره از دور به اسم مونث از **تِلْكَ** استفاده می شود.

مانند : هَذِهِ لَوْحَةٌ : این تابلو است - هَذِهِ طَالِبَةٌ - هَذِهِ مَرِيْمٌ - هَذِهِ بِنْتٌ

مانند: تِلْكَ لَوْحَةٌ : آن تابلو است . - تِلْكَ طَالِبَةٌ - تِلْكَ مَرِيْمٌ - تِلْكَ بِنْتٌ

مونث

اسم مفرد



(یک شیء یا شخص) علامت « ة » **ندارد** یا شخص مذکر است.

مانند : جَبَلٌ ، صَفٌّ ، طَالِبٌ ، عَلِيٌّ ، وَلَدٌ

برای اشاره از نزدیک به اسم مذکر از **هَذَا** استفاده می شود.

برای اشاره از دور به اسم مذکر از **ذَلِكَ** استفاده می شود.

نزدیک: هَذَا صَفٌّ : این کلاس است - هَذَا طَالِبٌ - هَذَا عَلِيٌّ - هَذَا وَلَدٌ

دور: ذَلِكَ صَفٌّ : آن کلاس است - ذَلِكَ طَالِبٌ - ذَلِكَ عَلِيٌّ - ذَلِكَ وَلَدٌ

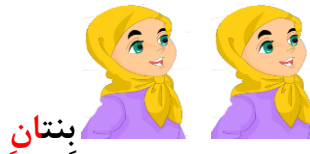
مذکر

یک اسم در زبان عربی یا مفرد است (یک چیز یا یک شخص) یا مثنی است (دو تایی) و یا جمع (بیشتر از دو تا) است .

با اسم مفرد آشنا شدید . اکنون اسم مثنی را بررسی می کنیم



شَجَرَتَانِ



بِنْتَانِ

(دوتایی) اسم مثنی دو علامت دارد : « ان » و « -ین »

مانند : لَوْحَةٌ + ان : لَوْحَتَانِ ، طَالِبَةٌ + يْن : طَالِبَتَيْنِ

برای اشاره از نزدیک به اسم مثنی و مونث از هاتان استفاده می شود.

مانند :

هاتانِ شَجَرَتَانِ : این ها دو درخت هستند

هاتانِ بِنْتَانِ : این ها دو دختر هستند

مونث

اسم مثنی



جَبَلَانِ

وَلَدَانِ



(دوتایی) اسم مثنی دو علامت دارد : « ان » و « -ین »

مانند : وَلَدٌ + ان : وَلَدَانِ : دو پسر ، جَبَلٌ + ان : جَبَلَانِ : دو کوه

وَلَدٌ + يْن : وَلَدَيْنِ : دو پسر ، جَبَلٌ + يْن : جَبَلَيْنِ : دو کوه

برای اشاره از نزدیک به اسم مثنی و مذکر از هذان استفاده می شود.

مانند :

هذانِ وَلَدَانِ : این ها دو پسر هستند

هذانِ جَبَلَانِ : این ها دو کوه هستند

مذکر

یک اسم در زبان عربی یا مفرد است (یک چیز یا یک شخص) یا مثنی است (دو تایی) و یا جمع (بیشتر از دو تا) است .

با اسم مفرد و مثنی آشنا شدید . اکنون اسم جمع را بررسی می کنیم



لاعِبَات

علامت جمع مونث سالم « ات » است .

برای تبدیل اسم مفرد مونث به جمع مونث « ة » را حذف میکنیم و به جای آن « ات » اضافه می کنیم .

مانند : لاعِبَةٌ + ات : لاعِبَات : بازیکنان (مونث)

برای اشاره به نزدیک از « هُوَلاء » استفاده می شود .

برای اشاره به دور از « اولئِكَ » استفاده می شود .

در جمع ، اشاره به مذکر و مونث مشترک است .

نزدیک : هُوَلاءِ لاعِبَاتُ : این ها بازیکنان (زن) هستند .

دور : اولئِكَ لاعِبَاتُ : آنان بازیکنان (زن) هستند .

مونث سالم



لاعِبُونَ - لاعِبِينَ

اسم جمع مذکر سالم دو علامت دارد : « ون » و « ین »

مانند : لاعِبٌ + ون : لاعِبُونَ : بازیکنان (مرد)

لاعِبٌ + ین : لاعِبِينَ : بازیکنان (مرد)

برای اشاره به نزدیک از « هُوَلاء » استفاده می شود .

برای اشاره به دور از « اولئِكَ » استفاده می شود .

در جمع ، اشاره به مذکر و مونث مشترک است .

نزدیک : هُوَلاءِ لاعِبُونَ : این ها بازیکنان (مرد) هستند .

دور : اولئِكَ لاعِبُونَ : آنان بازیکنان (مرد) هستند .

مذکر سالم

اسم جمع

مکسر

جمع مکسر یا شکسته قاعده خاصی ندارد . هیچ کدام از علامت

های جمع سالم به آن اضافه نشده ولی تبدیل به جمع شده . در

این جمع شکل مفرد آن تغییر می کند . مثل مسجد : مساجِد



کلمات پرسشی

کلمات استفهام یا پرسشی برای پرسش در موارد مختلف به کار می‌رود و جمله را پرسشی و سؤالی می‌کند. کلمات استفهام عبارت اند از:

هَلْ - أ: (آیا)

این دو کلمه در اول جمله خبری آمده و آن را پرسشی می‌کند. و معمولاً نیز به صورت "نَعَمْ" (بله) و یا "لا" (خیر) پاسخ داده می‌شود.

مثال: هَلْ هَذِهِ مُعَلِّمَةٌ؟ نعم؛ هَذِهِ مُعَلِّمَةٌ.

هَلْ هَذَا مُحَمَّدٌ؟ لا؛ هَذَا حَسِينٌ.

أ هَذَا جَبَلٌ؟ نعم؛ هَذَا جَبَلٌ.

مَنْ: (چه کسی، چه کسانی)

سوال در مورد اشخاص است

مذکر: مَنْ هُوَ؟ مؤنث: مَنْ هِيَ؟

مَنْ أَنْتَ؟ أَنَا مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ . مَنْ أَنْتِ؟ أَنَا مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ .

مَنْ هُوَ أَسْتَاذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ؟ السَّيِّدُ أَرْبَابِي

مَنْ هِيَ أَسْتَاذَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ السَّيِّدَةُ شَرِيفِي.

لِمَنْ: (مال چه کسی، مال چه کسانی)

برای پرسش درباره مالکیت بکار می‌رود و در جواب کلمه پرسشی «لِمَنْ» ، معمولاً حرف "لِ" به کار می‌رود.

مانند: لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟ لِـمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ .

مَا، ماذا (چه، چه چیزی، چیست)

برای پرسش از «چیستی» است؛ مانند

مَا هَذَا؟ - هَذَا فُنْدُقٌ؛ این چیست؟ - این هتل است .

مَا اسْمُكَ؟ - اسْمِي مُحَمَّدٌ؛ اسمت چیست؟ - اسمم محمد است .

ماذا عَلَى الْمِنْضَدَةِ؟ - جَوَّالٌ أُمِّي؛ چه چیزی روی میز است؟ تلفن همراه مادرم

أَيْنَ (كجا)

برای سوال از مکان چیزی یا کسی استفاده می شود
مانند :

أَيْنَ صَدِيقُكَ؟ - فِي الْبَيْتِ . : دوستت کجاست ؟ در خانه است .

در جواب به سوالی که با (أَيْنَ) شروع شده باید حتماً یکی از کلماتی را که نشان دهنده جهت و مکان است را در جواب بیاوریم (که این انتخاب ما با توجه به موقعیت آن چیز مورد سوال خواهد بود)

کلماتی مانند: (فَوْقَ=بالا)، (تَحْتَ=زیر)، (جَنْبَ=کنار)، (عِنْدَ=نزد)، (حَوْلَ=اطراف)، (بَيْنَ=میان)، (فِي=در)
(هُنَا= اینجا)، (هُنَاكَ=آنجا)، (عَلَى= روی، بر)، (عَلَى الْيَمِينِ=سمت راست)، (عَلَى الْيَسَارِ=سمت چپ).
أَيْنَ الطَّالِبُ؟ خَلْفَ الْمُنْضَدَةِ.

برای اینکه از کسی پرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می کنیم؛



اصطلاح «عَلَيْكَ بِـ» به معنای «بر تو لازم است»، «تو باید» است؛

مثال: عَلَيْكَ بِالْخُرُوجِ = بر تو لازم است خارج شوی. تو باید خارج شوی

کلمه پرسشی «كَمْ» برای سوال از تعداد و مقدار چیزی استفاده می کنیم، پس باید از اعداد به عنوان پاسخ به

چنین سوالاتی استفاده کنیم. مثال:

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ ثَلَاثَةٌ

اعداد بر دو نوع هستند.

(۱). اعداد اصلی: اعدادی هستند که تعداد را نشان می دهند.

مانند (۱، ۲، ۳ و ...) . یک کتاب ، دو کتاب ، سه کتاب و....

(۲). اعداد ترتیبی: اعدادی هستند که ترتیب چیزی را نشان می دهند. (بعداً خواهید خواند)

مانند (اول، دوم، سوم و...) . درس اول ، درس دوم ، درس سوم و...

در این درس تنها با دوازده تا از اعداد اصلی عربی آشنا می شویم .

(واحد_ ۱)، (اثنان_ ۲)، (ثلاثة_ ۳)، (أربعة_ ۴)، (خمسة_ ۵)، (ستة_ ۶)، (سبعة_ ۷)، (ثمانية_ ۸)،
(تسعة_ ۹)، (عشر_ ۱۰)، (أحد عشر_ ۱۱)، (اثناعشر_ ۱۲)

ضمیر:

تعریف ضمیر

کلمه ای است که در معنا، جانشین اسم است. و این تعریف از ضمیر، هم در زبان فارسی و هم عربی و هم انگلیسی و سایر زبان ها صدق می کند.

مثال فارسی (علی آمد. او مشق ها را نوشت.) در مثال مذکور «او» ضمیری جدا است. که به جای علی آمده است.)

مثال فارسی (علی کیفش را آورد.) در مثال مذکور، «ش» که به کیف متصل شده، ضمیری متصل است که به جای علی آمده است)

بنابر این ضمایر عربی دو دسته می شوند:

۱. ضمایر منفصل: یعنی ضمایری که به کلمه نمی چسبند. مانند: أنا: من – أنت: تو و ...

۲. ضمایر متصل: ضمایری هستند که همیشه به کلمه می چسبند. مانند: صدیقٌ

در صفحه بعد با جدول ضمایر متصل و منفصل بیشتر آشنا می شوید

ضمیرهای مُنْفِصِل				
عربی				فارسی
أنا		أنا		من
أنا فائِزَةٌ.		أنا فائِزٌ.		
أنتِ (مفرد مؤنث)		أنتَ (مفرد مذکر)		تو
أنتِ نَاجِحَةٌ.		أنتَ نَاجِحٌ.		
هيَ (مفرد مؤنث)		هوَ (مفرد مذکر)		او
هيَ جَمِيلَةٌ.		هوَ جَمِيلٌ.		
نحنُ	نحنُ	نحنُ	نحنُ	ما
نحنُ واقِفَتانِ.	نحنُ واقِفانِ.	نحنُ واقِفاتٌ.	نحنُ واقِفونَ.	
أنْتُمَا (مثنى مؤنث)	أنْتُمَا (مثنى مذکر)	أنْتُنَّ (جمع مؤنث)	أنْتُمْ (جمع مذکر)	شما
أنْتُمَا مَسرورَتانِ.	أنْتُمَا مَسرورانِ.	أنْتُنَّ مَسروراتٌ.	أنْتُمْ مَسرورونَ.	
هُمَا (مثنى مؤنث)	هُمَا (مثنى مذکر)	هُنَّ (جمع مؤنث)	هُمَ (جمع مذکر)	ایشان (آنها)
هُمَا جالِستانِ.	هُمَا جالِسانِ.	هُنَّ جالِساتٌ.	هُمَ جالِسونَ.	

ضمیرهای متصل			
عربی			فارسی
حی بیتي			تم، - من
ك (مفرد مؤنث) بیتك	ك (مفرد مذکر) بیتك	ت، - تو	
ها (مفرد مؤنث) بیتها	ه، ه (مفرد مذکر) بیته	ش، - او	
نا بیتنا			مان، - ما
كُما (مثنی مؤنث) بیتكُما	كُما (مثنی مذکر) بیتكُما	كُنَّ (جمع مؤنث) بیتكُنَّ	كُم (جمع مذکر) بیتكُم
هُما، - هما (مثنی مؤنث) بیتهُما	هُما، - هما (مثنی مذکر) بیتهُما	هُنَّ، - هُنَّ (جمع مؤنث) بیتهُنَّ	هُم، - هم (جمع مذکر) بیتهُم
			شان، - ایشان (- آنها)

یاد آوری مفهوم فعل در زبان فارسی

من نامه ای نوشتم . علی به بازار رفت . معلم به کلاس آمد .

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده اید . فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت

دارد و نشان دهنده انجام کاری است و می توانیم آن را صرف کنیم .

مانند : رفتم ، رفتی ، رفت ، رفتیم ، رفتید ، رفتند .

فاطمه به مسافرت رفت . فاطمه به مسافرت می رود . فاطمه به مسافرت خواهد رفت .

چه تفاوتی بین فعل های این سه جمله وجود دارد؟

با پرسش « چه وقت ؟ » یا « کی ؟ » می توان به اختلاف این سه جمله پی برد .

فعل جمله اول (رفت) : ماضی است ، فعل جمله دوم (می رود) : مضارع و فعل جمله سوم

(خواهد رفت) مستقبل یا آینده است .

در پایه هفتم با **فعل ماضی** آشنا شدید و در پایه هشتم با فعل مضارع و مستقبل






آشنا می شوید .

سایت آموزشی : www.eduqaen.ir

در ادامه ، جدول زیر که مربوط به آموزش فعل ماضی و ضمائر هست را کاملا یاد بگیرید

و در صفحات بعدی به نکات آموزشی توجه نموده و هر چند مدت یکبار این جدول و نکات را مرور نمایید .

بهرتر است از جدول زیر کپی گرفته و در اتاق خود نصب کنید

شخص	تصویر	ضمیر منفصل ، فعل ماضی ، ضمیر متصل	ترجمه ماضی
اول شخص مفرد (من)	 أنا	أنا كَتَبْتُ واجِبِي	من تکلیفم را نوشتم
دوم شخص مفرد (تو) (یا ، ایها ، ایتها) ای	 يا وَكُدُّ ایها الْوَلَدُ	أنتِ كَتَبْتِ واجِبِكَ	تو تکلیفت را نوشتی
	 يا بِنْتُ ایْتها الْبِنْتُ	أنتِ كَتَبْتِ واجِبِكَ	
سوم شخص مفرد (او)	 الْوَلَدُ	هُوَ كَتَبَ واجِبَهُ	او تکلیفش را نوشت
	 الْبِنْتُ	هِيَ كَتَبَتْ واجِبَهَا	
اول شخص جمع (ما)	 أنا و صِدِيقِي أنا و أَصْدِقائِي	نَحْنُ كَتَبْنَا واجِبَنَا	ما تکلیفمان را نوشتیم
دوم شخص جمع (شما) نشانه های دوم شخص در جملاتی که اسم بجای ضمیر بیاید (یا ، ایها ، ایتها) ای	 يا / ایها الْوَلَدانِ	أنتُمْ كَتَبْتُمْ واجِبْكُمْ	شما تکلیفتان را نوشتید
	 يا / ایْتها الْبِناتِ	أنتُمْ كَتَبْتُمْ واجِبْكُمْ	
	 يا / ایْتها الْبِناتِ	أنتنَّ كَتَبْتنَّ واجِبْكُنَّ	
سوم شخص جمع (ایشان)	 الْوَلَدانِ علی و امیر	هُما كَتَبَا واجِبَهُما	ایشان تکلیفشان را نوشتند
	 الْبِناتِ فاطمة و سمية	هُما كَتَبَتَا واجِبَهُما	
	 الْوَلَدُ	هُم كَتَبُوا واجِبَهُم	
	 الْبِناتِ	هُنَّ كَتَبْنَ واجِبَهُنَّ	

نکاتی درباره آموزش فعل ماضی

مفید برای دانش آموزان پایه هفتم ، هشتم ، نهم و ...

نکته ۱ : فعل ماضی چیست ؟

فعل ماضی فعلی است که « انجام کاری » را در زمان « گذشته » نشان می دهد.

مثال :

ذَهَبْتُ : رفتم

نکته ۲ :

فعل ماضی معمولاً سه حرفی است و ممکن است یکی از شناسه های « ت ، ت ، ت ، ن ، نا ، تُم ، تُن ، تُما ، وا ، ن ، ا ، تا » به آخر فعل اضافه گردد که در این صورت مفهوم و کاربرد آن متفاوت است .

مانند :

كَتَبَ : نوشت

كَتَبْتُ : نوشتم

كَتَبْتَ : نوشتی (مذکر)

كَتَبْتُمْ : نوشتید (مونث)


نکته ۳ :


آخر فعل ماضی :

در آخر فعل ماضی ، علامت های (شناسه) مهمی وجود دارد که هر کدام مفهوم خاصی دارد :

۱- « ت » در آخر فعل ماضی علامت « یک شخص گوینده (متکلم وحده) و ضمیر آن همیشه **أنا** : من » است (اول شخص مفرد) و بین مذکر و مونث تفاوتی ندارد .


مثال :

 أنا كَتَبْتُ : من نوشتم.

 أنا كَتَبْتُ : من نوشتم


۲- « ت » در آخر فعل ماضی علامت « **مفرد مذکر مخاطب** » است (دوم شخص مفرد) و ضمیر آن « **أنت** : تو » است.

مثال :

 أنت كَتَبْتَ : تو نوشتی

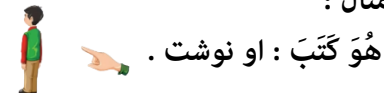
۳- « ت » در آخر فعل ماضی علامت « **مفرد مؤنث مخاطب** » است (دوم شخص مفرد) و ضمیر آن « **أنت** : تو » است.

مثال :

 أنت كَتَبْتِ : تو نوشتی

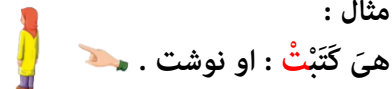
۴- « بدون علامت » چنانچه هیچ شناسه ای به آخر فعل اضافه نشود و سه حرفی باشد « مفرد مذکر غایب » است (سوم شخص مفرد) و ضمیر آن « هُوَ : او » است .

مثال :



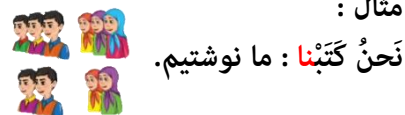
۵- « ت » در آخر فعل ماضی علامتِ « مفرد مؤنث غایب » است (سوم شخص مفرد) و ضمیر آن « هِيَ : او » است.

مثال :



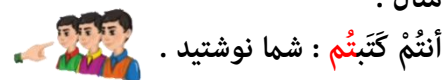
۶- « نا » در آخر فعل ماضی علامتِ « چند شخص گوینده (متکلم مع الغیر) و ضمیر آن نَحْنُ : ما » است (اول شخص جمع) و بین مذکر و مؤنث تفاوتی ندارد .

مثال :



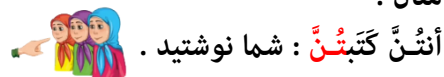
۷- « تم » در آخر فعل ماضی علامتِ « جمع مذکر مخاطب » است (دوم شخص جمع) و ضمیر آن « أَنْتُمْ : شما » است.

مثال :



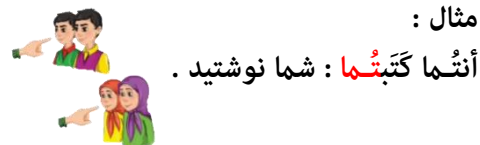
۸- « تَنَّ » در آخر فعل ماضی علامتِ « جمع مؤنث مخاطب » است (دوم شخص جمع) و ضمیر آن « أَنْتُنَّ : شما » است.

مثال :



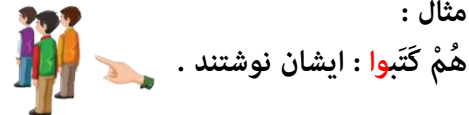
۹- « تُمَا » در آخر فعل ماضی علامتِ « مثنی مؤنث و مذکر مخاطب » است (دوم شخص جمع) و ضمیر آن « أَنْتُمَا : شما » است و برای مذکر و مؤنث یکسان است .

مثال :



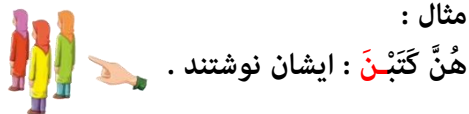
۱۰- « وا » در آخر فعل ماضی علامتِ « جمع مذکر غایب » است (سوم شخص جمع) و ضمیر آن « هُمْ : ایشان » است.

مثال :



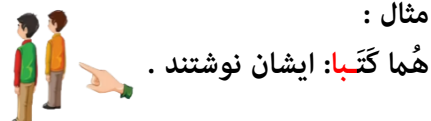
۱۱- « نَ » در آخر فعل ماضی علامتِ « جمع مؤنث غایب » است (سوم شخص جمع) و ضمیر آن « هُنَّ : ایشان » است.

مثال :



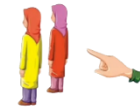
۱۲- « ا » در آخر فعل ماضی علامتِ « مثنی مذکر غایب » است (سوم شخص جمع) و ضمیر آن « هُمَا : ایشان » است.

مثال :



۱۳- « تا » در آخر فعل ماضی علامتِ « مثنی مونث غایب » است (سوم شخص جمع) و ضمیر آن « هُما: ایشان » است.

مثال :



هُما كَتَبَتَا: ایشان نوشتند .

نکته ۴ :

برای منفی کردن فعل ماضی ، « ما » به اول فعل ماضی اضافه می شود .

مثال :

لَعِبْتَ : بازی کردی - ما لَعِبْتَ : بازی نکردی

نکته ۵ :

ضمایری که با « أَنْتِ » شروع می شوند (دوم شخص) مخاطب هستند و شناسه آخر فعل مانند آخر ضمیر است .

أَنْتِ ذَهَبْتَ : تو رفتی (مذکر)

أَنْتِ ذَهَبْتَ : تو رفتی (مونث)

أَنْتُمَا ذَهَبْتُمَا : شما دو نفر رفتید (مثنی مذکر و مونث)

أَنْتُمْ ذَهَبْتُمْ : شما چند مرد رفتید .

أَنْتُنَّ ذَهَبْتُنَّ : شما چند زن رفتید.

مثال :

أَنْتُمْ إلى البيتِ .

دَهَبْتُ دَهَبْتُمْ دَهَبْتُنَّ دَهَبْتَ

نکته ۶ :

ضمیر « هُنَّ » که جمع مونث غایب است نیز آخر ضمیر و فعل یکسان است .

هُنَّ ذَهَبْنَ : ایشان رفتند (مونث)

نکته ۷ :

گاهی اوقات در تست ها و ارزشیابی ها ، ضمیر آمده و از شما فعل مناسب آن ضمیر را خواسته یا بر عکس ، این نوع

سوالات بسیار ساده هستند و به راحتی می توانید گزینه صحیح را انتخاب نمایید .

مثل :

أَنْتِ الْبَابِ . (طَرَقْتُ طَرَقْتَ ✓ طَرَقْتِ طَرَقَ) تو در را کوبیدی .

ولی گاهی اوقات ضمیر حذف شده و بجای آن اسم آمده که در این صورت باید سه مورد را بررسی نمایید :

۱- تشخیص دهید که مخاطب است یا غایب ۲- مذکر است یا مونث ۳- مفرد است یا مثنی یا جمع . که بتوانید به درستی

جواب دهید . این قاعده هم برای فعل ماضی و هم برای فعل مضارع که سال آینده خواهید خواند کاربرد دارد .

مثال :

یا أُخْتِي ، هَلْ التُّفَّاحَةَ ؟ : ای خواهرم، آیا سیب خوردی ؟

أَكَلْتُ أَكَلْنَا أَكَلْتِ أَكَلْتُ

یا آخی ، هَلْ التُّفَاحَةَ . : ای برادرم، آیا سیب خوری ؟

أَكَلْتُ أَكَلْنَا أَكَلْتِ أَكَلْتِ

در چنین مواقعی حروف « یا ، اِيَّهَا و اِيَّتُهَا : ای » نشانه مخاطب (دوم شخص) هستند .

(دوم شخص مفرد: أَنْتَ ، أَنْتِ و دوم شخص جمع : أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ)

معادل ضمیر : گاهی اوقات اسم به جای ضمیر می آید مثال:

مفرد ، مذکر ، مخاطب : أَنْتَ (تو) = یا ولد ، اِيهَا الولد (ای پسر) ، یا رَجُلٌ ، اِيهَا الرَّجُلُ (ای مرد) و ...

مفرد ، مؤنث ، مخاطب : أَنْتِ (تو) = یا بنت ، اِيَّتُهَا الْبِنْتُ (ای دختر) ، یا مرأة ، اِيَّتُهَا الْمَرْأَةُ (ای زن) و ...

مثنی ، مذکر یا مؤنث ، مخاطب : أَنْتُمَا (شما دونفر) = یا وَلَدَانِ ، یا بِنْتَانِ ، اِيهَا الْوَلَدَانِ ، اِيْتَهَا الْبِنْتَانِ و ...

جمع ، مذکر ، مخاطب : أَنْتُمْ (شما) = یا اولادٌ ، اِيهَا الرَّجَالُ و ...

جمع ، مؤنث ، مخاطب : أَنْتُنَّ (شما) = یا بناتٌ ، اِيَّتُهَا النِّسَاءُ و ...

مثال

۱- اِيُّهَا الْوَلَدُ ، هَلْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (اِيُّهَا الْوَلَدُ = أَنْتَ)

ذَهَبْتُ ذَهَبْتَ ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ

۲- اِيَّتُهَا الْبِنْتُ ، هَلْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (اِيَّتُهَا الْبِنْتُ = أَنْتِ)

ذَهَبْتُ ذَهَبْتَ ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ

۳- اِيُّهَا الْوَلَدَانِ / یا بِنْتَانِ ، هَلْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ ؟ (اِيُّهَا الْوَلَدَانِ / یا بِنْتَانِ = أَنْتُمَا) برای مذکر و مؤنث

ذَهَبْتُمَا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ

۴- یا رجالٌ / اِيهَا الرَّجَالُ ، هَلْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ ؟ (یا رجالٌ / اِيهَا الرَّجَالُ = أَنْتُمْ)

ذَهَبْتُمَا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْتُمْ ذَهَبُوا

۵- یا بناتٌ / اِيَّتُهَا النِّسَاءُ ، هَلْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ ؟ (یا بناتٌ / اِيَّتُهَا النِّسَاءُ = أَنْتُنَّ)

ذَهَبْتُمَا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْنَ ذَهَبْنَ

و در صورتی که نشانه مخاطب نداشته باشد غایب هستند .

(سوم شخص مفرد : هُو ، هِيَ و سوم شخص جمع : هُمَا ، هُمْ ، هُنَّ)

مثال :

۱- الْوَلَدُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (الْوَلَدُ = هُو)

ذَهَبْتُ ذَهَبْتَ ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ

۲- هَذِهِ الْبِنْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (هَذِهِ الْبِنْتُ = هِيَ)

ذَهَبْتُ ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ ذَهَبَ

۳- هَذَا الْوَلَدَانِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (هَذَا الْوَلَدَانِ = هُمَا) مذكر

ذَهَبْتُمَا ذَهَبْتِ ذَهَبْتِ ذَهَبَا

۴- الْبِنْتَانِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (الْبِنْتَانِ = هُمَا) مؤنث

ذَهَبْتُمَا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْتَا ذَهَبُوا

۵- الرِّجَالُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (الرِّجَالُ / اولئك يا هؤلاء الرِّجَالُ = هُمْ)

ذَهَبُوا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْنَ ذَهَبْتَنْ

۶- النِّسَاءُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (النِّسَاءُ / اولئك يا هؤلاء النِّسَاءُ = هُنَّ)

ذَهَبُوا ذَهَبْتُمْ ذَهَبْنَ ذَهَبْتَنْ

نکته ۸ :

گاهی اوقات ممکن است از دوم شخص مفرد سوال شود، در پاسخ باید بصورت اول شخص مفرد پاسخ داده شود .
مثال :

هَلْ أَنْتِ نَظَرْتِ ؟ _ نَعَمْ ، أَنَا نَظَرْتُ (آیا تو نگاه کردی ؟ - بله من نگاه کردم)

هَلْ أَنْتِ نَظَرْتِ ؟ لا ، مَا نَظَرْتُ

و گاهی اوقات ممکن است از دوم شخص جمع سوال شود ، در پاسخ باید بصورت اول شخص جمع پاسخ داده شود
مثال :

هَلْ أَنْتُمْ نَظَرْتُمْ ؟ _ نَعَمْ ، نَحْنُ نَظَرْنَا (آیا شما نگاه کردید ؟ - بله ما نگاه کردیم)

هَلْ أَنْتُمْ نَظَرْتُمْ ؟ لا ، مَا نَظَرْنَا

هَلْ أَنْتُمْ نَظَرْتُمْ ؟ نَعَمْ ، نَظَرْنَا

رنگ ها (الوان)



ایام هفته

فارسی	عربی
شنبه	السبت
یکشنبه	الأحد
دوشنبه	الاثنين
سه شنبه	الثلاثاء
چهارشنبه	الأربعاء
پنجشنبه	الخميس
جمعه	الجمعة

فصول سال



کانال آموزشی ما @eduqaen

برای مشاهده فیلم های آموزشی در کانال آپارات ما به نشانی www.aparat.com/eduqaen مراجعه نمایید

جهت تهیه نرم افزارهای عربی هفتم و هشتم و نهم به سایت ما www.eduqaen.ir مراجعه نمایید

جمع بندی بداییم (قواعد)

عبر ششم

شخصی	تصویر	ضمیر و فعل ماضی	ترجمه ماضی	ضمیر و فعل مضارع	ترجمه مضارع
اول شخص مفرد : من	 أنا	أنا كَتَبْتُ وَاجِبِي	من تکلیفم را نوشتم	من تکلیفم را می نویسم	أنا أَكْتُبُ وَاجِبِي
دوم شخص مفرد (تو)	 أَنْتَ	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبْكَ	تو تکلیفت را نوشتی	تو تکلیفت را می نویسی	أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبْكَ
	 أَنْتِ	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِي		أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِي	
سوم شخص مفرد (او)	 هُوَ	هُوَ كَتَبَ وَاجِبْهُ	او تکلیفش را نوشت	او تکلیفش را می نویسد	هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبْهُ
	 هِيَ	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبِهَا		هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبِهَا	
اول شخص جمع (ما)	 نَحْنُ	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبْنَا	ما تکلیفمان را نوشتیم	ما تکلیفمان را می نویسیم	نَحْنُ نَكْتُبُ وَاجِبْنَا
دوم شخص جمع (شما)	 أَنْتُمْ	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبْكُمْ	شما تکلیفتان را نوشتید	شما تکلیفتان را می نویسید	أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبْكُمْ
	 أَنْتُمْ	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبْكُمْ		أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبْكُمْ	
	 أَنْتُنَّ	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبْنَ		أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ وَاجِبْنَ	
سوم شخص جمع (ایشان)	 هُمْ	هُمَا كَتَبَا وَاجِبْهُمَا	ایشان تکلیفشان را نوشتند	ایشان تکلیفشان را می نویسند	هُمَا يَكْتُبَانِ وَاجِبْهُمَا
	 هُمْ	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبْهُمَا			هُمَا تَكْتُبَانِ وَاجِبْهُمَا
	 هُمْ	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبْهُمْ			هُمْ يَكْتُبُونَ وَاجِبْهُمْ
	 هُنَّ	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبْهُنَّ			هُنَّ يَكْتُبْنَ وَاجِبْهُنَّ

نکاتی درباره آموزش فعل مضارع

مفید برای دانش آموزان پایه هشتم ، نهم و ...

نکته ۱ : فعل مضارع چیست ؟

فعل مضارع فعلی است که « انجام کاری » را در زمان « حال یا آینده » نشان می دهد ؛ مثلاً وقتی می گوییم :

حَمِيدٌ يَذْهَبُ : حمید می رود

حمید :

یا الآن می رود (زمان حال)

یا فردا می رود (زمان آینده)

پس فعل مضارع مخصوصِ زمان حال نیست بلکه انجام کار را در زمان « حال یا آینده » نشان می دهد :

هُوَ يَكْتُبُ الْآنَ : او الآن می نویسد

هُوَ يَكْتُبُ غَدًا : او فردا می نویسد

نکته ۲ : ابتدای فعل مضارع

فعل مضارع در زبان عربی ، حتماً با یکی از چهار حرفِ « أَ تَيَّ نَ » شروع می شود ؛ مانند :

أَعْلَمُ : می دانم

تَعْلَمُونَ : می دانید

يَعْلَمُونَ : می دانند

نَعْلَمُ : می دانیم

ما در این جا برای راحتی کار ، به این چهار حرفِ (أَ تَيَّ نَ) « حروفِ أَتَيْنَ » می گوییم .

پس به طور خلاصه ، فعل مضارع حتماً با یکی از حروف « أَتَيْنَ » شروع می شود .

دقت کنید هر کلمه ای که با یکی از چهار حرف « أَتَيْنَ » شروع شد فعل مضارع نیست ؛ بلکه هر فعل مضارعی با یکی از این چهار

حرف شروع می شود .

مثلاً : أَخَذَ : گرفت ، نَصَرْتُمْ : یاری کردید : ماضی هستند و أَخَذُ : می گیرم ، نَنْصُرُ : یاری می کنیم : مضارع هستند

نکته ۳ : ترجمه فعل مضارع

در ترجمه فعل مضارع معمولاً از « می » استفاده می کنیم :

أَنَا أَكْتُبُ : من می نویسم

نَحْنُ نَأْكُلُ : ما می خوریم

هُوَ يَسْمَعُ : او می شنود

أَنْتَ تَعْلَمُ : تو می دانی

دقت کنید فعل مضارع برای زمان حال یا آینده است و آن را به صورت ماضی استمراری ترجمه نکنید :
من می نویسم (مضارع)
من می نوشتم (ماضی استمراری) در پایه نهم آشنا خواهید شد .

نکته ۴ : آخر فعل مضارع

در آخر فعل مضارع چهار علامت مهم وجود دارد که هر کدام مفهوم خاصی دارد :

۱- « وَنَ » در آخر فعل مضارع علامتِ « جمع مذکر » است یعنی کار را « بیش از دو مرد » انجام داده اند :
يَكْتُبُونَ : می نویسند (چند مرد)
تَسْمَعُونَ : می شنوید (شما چند مرد)

۲- « نَ » در آخر فعل مضارع علامتِ « جمع مؤنث » است ، یعنی کار را « بیش از دو زن » انجام داده اند :
يَرِجَعْنَ : بر می گردند (چند زن)
تَكْتُمْنَ : پنهان می کنید (چند زن)

۳- « اِنِ » در آخر فعل مضارع علامتِ « دوتایی » است یعنی کار را دو نفر انجام داده اند :
يَجْلِسَانِ : می نشینند - دو نفر
هُمَا يَلْعَبَانِ : آن دو بازی می کنند
الْبِنْتَانِ تَشْرَبَانِ : دو دختر می نوشند
یا وَلَدَانِ ! اِلَىٰ اَيْنَ تَذَهَبَانِ ؟ : ای دو پسر ، به کجا می روید ؟

۴- « يِنَ » در آخر فعل مضارع ، مخصوصِ « اُنْتِ » مفرد مؤنث (تو مؤنث) است :
تَعْلَمِيْنَ : می دانی (تو یک زن)
تَسْأَلِيْنَ : سؤال می کنی (تو یک زن)
مثلاً اگر می خواهیم به مادرمان به عربی بگوییم « چه می پزی ؟ » ، می گوییم :
« مَاذَا تَطْبُخِيْنَ ؟ »

پس به طور خلاصه نکته ۴ این بود :

شناسه آخر فعل مضارع :

« وَنَ » : چند مرد

« نَ » : چند زن

« اِنِ » : دو نفر

« يِنَ » : تو یک زن

نکته ۵ :

گفتیم معمولاً فعل مضارع در زبان فارسی با « می » ترجمه می شود ؛ بیش از ۹۰ درصد فعل های مضارعی که در کتاب عربی می خوانید فعلاً با « می » ترجمه می شود اما استثناء هم وجود دارد که به تدریج با آن آشنا می شوید . نگران نباشید ، چون وقتی به تدریج آشنا می شوید بسیار آسان و راحت است . مثل این فعل های مضارع که در کتاب درسی هم آمده و با « می » ترجمه نمی شود
ماذا أَفْعَلُ ؟ : چکار کنم ؟
ماذا نَفْعَلُ ؟ : چکار کنیم ؟

بَعْدَمَا يَسْمَعُ : پس از این که اجازه دهد

بَعْدَمَا تَقْبَلُ وَالِدَتِي : پس از این که مادرم قبول کند

نکته ۶ :

اگر گفتیم در فعل مضارع ، « وَنَ » برای « چند مرد » است و « نَ » برای « چند زن » ؛ در مواردی است که انسان ها کاری را انجام دهند ؛ مثلاً :

يَذْهَبُونَ : می روند (چند مرد)

يَذْهَبْنَ : می روند (چند زن)

اما اگر برای حیوانات باشد معمولاً مرد و زن ندارد :

الْغَزْلَانُ يَشْرَبُونَ الْمَاءَ : آهوها آب می نوشند

الْغَزْلَانُ يَشْرَبْنَ الْمَاءَ : آهوها آب می نوشند.

نکته ۷ :

ضمایری که با « أَنْتَ » شروع می شوند **مخاطب** هستند و فعل مضارع مناسب آن همیشه از حروف مضارعه (أَتَيْنَ) با (تَ) شروع می شود . مانند :

أَنْتَ تَذْهَبُ : تو می روی (مذکر)

أَنْتِ تَذْهَبِينَ : تو می روی (مونث)

أَنْتُمَا تَذْهَبَانِ : شما دو نفر می روید (مثنی مذکر و مونث)

أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ : شما می روید (مذکر)

أَنْتُنَّ تَذْهَبْنَ : شما می روید (مونث)

نکته ۸ :

ضمیر اول شخص مفرد (متکلم وحده) « أَنَا : من » با « أ » شروع شده و فعل مضارع مناسب آن هم همیشه از حروف مضارعه (أَتِي نَ) با « أ » شروع می شود . مثل :

أَنَا أَجْلِسُ : من می نشینم

نکته ۹ :

ضمیر اول شخص جمع (متکلم مع الغير) « نَحْنُ : ما » با « نَ » شروع شده و فعل مضارع مناسب آن هم همیشه از حروف مضارعه (أَتِي نَ) با « نَ » شروع می شود . مثل :

نَحْنُ نَجْلِسُ : ما می نشینیم

نکته ۱۰ :

گاهی اوقات در تست ها و ارزشیابی ها ، ضمیر آمده و از شما فعل مناسب آن ضمیر را خواسته یا بر عکس ، این نوع سوالات بسیار ساده هستند و به راحتی می توانید گزینه صحیح را انتخاب نمایید . مثل :

أَنْتَ الْبَابَ . (طَرَقْتَ طَرَقْتَ طَرَقْتَ) تو در را کوبیدی .

أَنْتَ الْبَابَ . (أَطَرَقْتُ ، تَطَرَقْتُ ، تَطَرَقْتِ ، نَطَرَقْتُ) : تو در را می کوبی .

ولی گاهی اوقات ضمیر حذف شده و بجای آن اسم آمده که در این صورت باید سه مورد را بررسی نمایید :

۱- تشخیص دهید که مخاطب است یا غایب ۲- مذکر است یا مونث ۳- مفرد است یا مثنی یا جمع . که بتوانید به درستی جواب دهید . این قاعده هم برای فعل ماضی و هم برای فعل مضارع کاربرد دارد .

مثال :

یا أُختی ، هَلْ التُّفَّاحَةَ أَمْسِ ؟ : ای خواهرم، آیا دیروز سیب خوردی ؟

أَكَلْتُ أَكَلْنَا أَكَلْتِ أَكَلْتُمْ

یا أُخی ، هَلْ التُّفَّاحَةَ . : ای برادرم، آیا سیب می خوری ؟

أَكَلْ تَأْكُلُ يَأْكُلُ تَأْكُلِينَ

در چنین مواقعی حروف « یا ، ایُّها و ایَّتُّها : ای » نشانه مخاطب هستند .

(دوم شخص مفرد: أنت ، أنتِ و دوم شخص جمع : أنتم ، أنتمُنَّ)

معادل ضمیر : مثال:

مفرد ، مذکر ، مخاطب : أنت (تو) = یا ولد ، ایها الولد (ای پسر) ، یا رَجُلٌ ، ایُّها الرَّجُلُ (ای مرد) و ...

مفرد ، مونث ، مخاطب : أنتِ (تو) = یا بنت ، ایُّها البنتُ (ای دختر) ، یا مرأة ، ایُّها المرأة (ای زن) و ...

مثنی ، مذکر یا مونث ، مخاطب : أنتمَا (شما دونفر) = یا وِلْدَانِ ، یا بِنْتَانِ ، ایها الوِلْدَانِ ، ایُّها البِنْتَانِ و ...

جمع ، مذکر ، مخاطب : أنتم (شما) = یا اولادُ ، ایها الرِّجَالُ و ...

جمع ، مونث ، مخاطب : أنتمُنَّ (شما) = یا بناتُ ، ایُّها النِّسَاءُ و ...

مثال

۱- ایُّها الوَلَدُ ، هَلْ إلى المَكْتَبَةِ . (ایها الولد = أنت)

أَذْهَبُ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ

۲- ایُّها البِنْتُ ، هَلْ إلى المَكْتَبَةِ . (ایُّها البنتُ = أنتِ)

أَذْهَبُ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ

۳- ایُّها الوِلْدَانِ / یا بِنْتَانِ ، هَلْ إلى المَكْتَبَةِ ؟ (ایها الولدانِ / یا بِنْتَانِ = أنتمَا)

تَذْهَبَانِ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ

۴- یا رِجَالُ / ایها الرِّجَالُ ، هَلْ إلى المَكْتَبَةِ ؟ (یا رِجَالُ / ایها الرِّجَالُ = أنتم)

تَذْهَبَانِ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ تَذْهَبُونَ

۵- یا بِنَاتُ / ایُّها النِّسَاءُ ، هَلْ إلى المَكْتَبَةِ ؟ (یا بِنَاتُ / ایُّها النِّسَاءُ = أنتمُنَّ)

تَذْهَبَانِ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ تَذْهَبُونَ

و در صورتی که نشانه مخاطب نداشته باشد غایب هستند .

(سوم شخص مفرد : هو ، هی و سوم شخص جمع : هُما ، هُم ، هُنَّ)

مثال :

۱- الوَلَدُ إلى المَكْتَبَةِ . (الوَلَدُ = هو)

أَذْهَبُ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ

- ۲- هَذِهِ الْبِنْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (هَذِهِ الْبِنْتُ = هِيَ)
 أَذْهَبُ تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ
- ۳- هَذَانِ الْوَلَدَانِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (هَذَانِ الْوَلَدَانِ = هُمَا) مذكر
 تَذْهَبَانِ يَذْهَبَانِ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ
- ۴- الْبِنْتَانِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (الْبِنْتَانِ = هُمَا) مؤنث
 تَذْهَبَانِ يَذْهَبَانِ تَذْهَبِينَ يَذْهَبُ
- ۵- الرَّجَالُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (الرَّجَالُ / اَوْلَكَ يَا هَوْلَاءِ الرَّجَالُ = هُمْ)
 تَذْهَبَانِ تَذْهَبُ يَذْهَبُونَ تَذْهَبُونَ
- ۶- النِّسَاءُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ . (النِّسَاءُ / اَوْلَكَ يَا هَوْلَاءِ النِّسَاءِ = هُنَّ)
 تَذْهَبَانِ يَذْهَبْنَ تَذْهَبِينَ تَذْهَبُونَ

نکته ۱۱ :

چنانچه در جمله ای شواهد و قرائنی باشد که اشاره به گذشته دارد (**امس** : دیروز ، **قبل** ، **ماضی** : گذشته) فعل جمله باید متناسب با ضمیر یا شخص بصورت **ماضی** بکار رود . مثال :

أنا إِلَى الْبُسْتَانِ **قَبْلَ** ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ .

تَذْهَبُ أَذْهَبُ ذَهَبْتُ ذَهَبْتِ

الطَّالِبَةُ إِلَى الْبُسْتَانِ **أَمْسَ** .

تَذْهَبُ أَذْهَبُ ذَهَبْتُ ذَهَبْتِ

چنانچه در جمله ای شواهد و قرائنی باشد که اشاره به حال یا آینده دارد (**الآن** ، **عَدَاً** : فردا ، **قَادِم** : آینده ، **بَعْدَ**) فعل جمله باید متناسب با ضمیر یا شخص بصورت **مضارع** بکار رود . مثال :

أنا إِلَى الْبُسْتَانِ **بَعْدَ** ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ .

تَذْهَبُ أَذْهَبُ ذَهَبْتُ ذَهَبْتِ

الطَّالِبَةُ إِلَى الْبُسْتَانِ **عَدَاً** .

تَذْهَبُ أَذْهَبُ ذَهَبْتُ ذَهَبْتِ

نکته ۱۲ :

اگر به اول فعل مضارع (**سَـ** یا **سَوْفَ**) اضافه گردد تبدیل به آینده (**مستقبل**) می گردد و در ترجمه آن از فعل « **خواه** ... » استفاده می شود . مثال :

أَذْهَبُ : می روم - **سَأَذْهَبُ** ، **سَوْفَ** أَذْهَبُ : **خواهم** رفت .

نکته ۱۲ :

برای منفی کردن فعل ماضی ، « **ما** » به اول فعل ماضی اضافه می شود و برای منفی کردن فعل مضارع « **لا** » به اول فعل مضارع اضافه می گردد . مثال :

لَعِبْتُ : بازی کردی - **مَا** لَعِبْتُ : بازی نکردی (ماضی)

تَلَعَّبِينَ : بازی می کنی - **لا** تَلَعَّبِينَ : بازی نمی کنی (مضارع)

نکته ۱۳ :

فعل برای دوم شخص مفرد و مذکر (تو مذکر) و سوم شخص مفرد و مونث (او مونث) به یک صورت بکار می رود ولی ترجمه آن با توجه به شواهد جمله (ضمیر ، تصویر) متفاوت است .

تَكْتُبُ : می نویسی ، می نویسد

مثال :



أنتَ تَكْتُبُ واجِبَكَ : می نویسی



هی تَكْتُبُ واجِبَهَا : می نویسد

همچنین فعل برای دوم شخص جمع (مذکر و مونث) و سوم شخص جمع (مونث) به یک صورت بکار می رود ولی ترجمه آن با توجه به شواهد جمله (ضمیر ، تصویر) متفاوت است .

تَكْتُبَانِ : می نویسید ، می نویسند

مثال :



أنتمَا تَكْتُبَانِ واجِبَكُمَا : می نویسید (مثنی مذکر و مونث مخاطب)



هُمَا تَكْتُبَانِ واجِبَهُمَا : می نویسند (مثنی مونث غایب)

جهت دریافت تدریس دروس معارف به کانال ما در آپارات مراجعه نمایید

 www.aparat.com/eduqaen

جهت دریافت نرم افزار جامع عربی هفتم ، هشتم و نهم به سایت www.eduqaen.ir مراجعه نمایید .

آموزش خلاق ، یدالله اربابمیر



خراسان جنوبی ، شهرستان قاین ، پایتخت زعفران جهان